

از خیالپردازی تا باورپذیری

درونمایه

موضوع این کتاب، همان طور که از عنوانش برمی آید، به فراگیری خواندن و نوشتن مربوط می شود. نوع نگاه نویسنده به این موضوع، تازه و جالب است و «خانم شعبانی» به سوژه عام و همگانی و جدی خواندن و نوشتن، از زاویه تازه ای می پردازد. خواندن و نوشتن برای همه کودکان موضوعی آشنا و ملموس است و آغاز یادگیری و ورود به مدرسه، در دل خود مسائل تلخ و شیرینی می تواند داشته باشد. به ویژه اگر دانش آموز ما یک ماشین ریزه میزه آبی رنگ باشد. تا این جا می توان گفته که درونمایه داستان، دقیق و درست انتخاب شده است و نویسنده برای پرهیز از بیان صریح و مستقیم شخصیتی جناب خلق می کند. در کنار این موضوع ساده به ملموس و عام، درونمایه «ارتباط بادیگران» که موضوعی اجتماعی و بسیط به حساب می آید نیز طرح می شود که تا حدودی به یک پارچگی اثر، لطمه زده است.

در هر اثر ادبی ویژه کودکان، علاوه بر این که بهتر است فقط یک درونمایه داشته باشیم، درونمایه باید در حوزه تجربی کودکان باشد؛ به نحوی که کودکان قادر بگرد آن باشند. باورپذیری موضوع، چیزی است که نویسنده به خوبی از پس آن برآمده، اما گنجاندن دو موضوع در یک قالب، وحدت درونمایه را خدشه دار کرده است.

در بررسی طرح و شخصیت، این دوگانگی و تاثیر منفی آن بر داستان بیشتر آشکار خواهد شد.

طرح

داستان با آرزوی شخصیت اصلی شروع می شود. ماشین کوچولو با خود می گوید: «اگر من هم می توانستم مثل آنها حرف بزنم، به این بچه ها می گفتم که چه قدر بازی کردن را دوست دارم. همین طور مدرسه و درس خواندن را.» اسم کتاب، مقدمه و مخاطب داستان ما را به درس و مدرسه

● معصومه انصاریان

- نام کتاب: ماشین که خواندن و نوشتن یاد گرفت
- نویسنده: راضیه شعبانی
- تصویرگر: ملیحه سالاری
- ناشر: بنیاد پژوهش های اسلامی
- توبت چاپ: اول - ۱۳۷۷
- شمارگان: ۱۰۰۰۰ نسخه
- بهاء: ۲۵۰۰ ریال

هدایت می کند. انتظار می رود، نویسنده یادگیری خواندن و نوشتن را مرکز توجه داستان قرار دهد و همه رویدادهای داستان را از آغاز تا انجام پیرامون آن وحدت و انسجام ببخشد.

اما پس از این که ماشین کوچولو خواندن و نوشتن یاد می گیرد، داستان در بستر دیگری می افتد؛ متفاوت و در یک رابطه غیرمنطقی با آن چه گذشت. ماشین کوچولو شروع به نامه نگاری می کند و از این که ماشین های دیگر، جواب نامه هایش را نمی دهند، ناراحت می شود.

متأسفانه، رویدادهای جدید با رویدادهای قبلی جفت و جور نمی شود. ماشین کوچولو و آقای «نورانی»

در مرکز شهر، با اوضاع درهم و به هم ریخته ماشین ها مواجه می شوند. ماشین هایی که با بوق زدن های بی دریبی می خوانند به آدم ها بفهمانند دوست دارند به مدرسه بروند. این که چطور بوق زدن های بی دریبی، علاقه ماشین ها را به درس و مدرسه نشان می دهد، در داستان نامعلوم می ماند. هم چنین، چطور و براساس چه نشانه هایی ماشین کوچولو کشف می کند که چرا ماشین ها جواب نامه هایش را ندادند باز هم معلوم نیست. در جای دیگری از داستان، ماشین کوچولو بلافاصله و بدون مقدمه از ته دل خوشحال می شود؛ چون در می یابد که به زودی همه ماشین ها برایش نامه خواهند نوشت، لابد به او الهام می شود! و لابد نویسنده انتظار دارد، بچه ها چنین الهاماتی را بپذیرند؟! بدون تردید کودکان هم مانند بزرگسالان وقتی داستان را باور می کنند که داستان واقعا و باور کردنی باشد. عناصر تخیلی اگر هوشیارانه انتخاب شوند و در داستانی که نویسنده تخیل و خلق می کند، کنش و واکنش طبیعی و واقعا گرایانه از خود نشان دهند، کودکان هم داستان را باور می کنند و هم قوه تخیل شان با خواندن داستان تقویت می شود و به پرواز در می آید. اما در این داستان، نویسنده برای باور رویدادهای تخیلی، زمینه مناسبی فراهم نکرده است. سرانجام این که داستان با فکر ساخت مدرسه ماشین ها در ذهن آقای «نورانی» پایان می یابد و این داستان دیگری است که شروع نشده، تمام می شود.

روایت

از نظر ترتیب روایت، هر داستانی یک آغاز، یک وسط و یک پایان دارد. داستان ماشینی که خواندن و نوشتن یاد گرفت را از این منظر بررسی می کنیم. داستان با آرزوی ماشین کوچولو آغاز می شود و با تلاش او برای یادگیری ادامه پیدا می کند. سپس با کتابخوانی و نامه نگاری او گسترش می یابد و با فکر ساختن



نویسنده
به سوژه خواندن و نوشتن
چهره تازه و جالب توجهی
می بخشد.

گنجاندن دو موضوع
در یک قالب
وحدت درونمایه را
خدشه دار کرده است.

مدرسه‌ماشین‌ها پایان می‌پذیرد. مناسفانه رابطه بخش پایانی، با کوچه بخش آغازین و میان روشن نیست. «پایان یک داستان از آغاز ششمه می‌گیرد و پایان دارای رابطه‌ای است که مستقیم از سراسر داستان ادامه دارد.» پایان این داستان با آغاز آن چه ارتباطی دارد؟ به زوی شخصیت اصلی در ابتدای داستان برمی‌گردیم. از زوی او سه بعد دارد: حرف زدن با دیگران، علاقه به بازی، علاقه به درس و مدرسه. نویسنده می‌افزاید: «ماشین کوچولو بارها این حرفها را می‌گفت اما هیچ‌کس حرفهای دل او را نمی‌شنید می‌دانید چرا؟ چون او هم مثل تمام ماشین‌های دنیا فقط بلد بود یک کلمه بگوید: بوق... بوق...»

نویسنده ابتدا به علاقه شخصیت اصلی به درس و مدرسه و بعد علاقه او به حرف زدن با دیگران می‌پردازد و از علاقه او به بازی در سراسر داستان حرفی به میان نمی‌آورد. یادگیری خواندن و نوشتن، و پنج صفحه از داستان و ارتباط با دیگران، دو صفحه پایانی داستان را به خود اختصاص می‌دهد. چنانچه هدف اصلی و درونی نویسنده بیان این موضوع است که علاقه به درس و مدرسه، انسان را وامی‌دارد تا با تلاش و تمرین، خواندن و نوشتن یاد بگیرد که در پنج صفحه به آن پرداخته است و اگر می‌خواست بگوید علاقه به حرف زدن برای ارتباط با آدمها کافی نیست بلکه باید زمینه ارتباط را در طرف مقابل نیز فراهم آورد، که در دو صفحه پایانی یک داستان مجال چنین موضوعی نیست و نویسنده هم موفق نشده این مسئله را در داستان پرداخت کند.

ارتباط با دیگران، دغدغه امروز بزرگسالان است که در ضمیر ناخودآگاه نویسنده نیز وجود داشته و در این جا ناشیانه به آن گریز زده است. به فرض هم که مسئله ارتباط با دیگران، فکر آشکار نویسنده بوده باشد، داستان باید از همان نقطه آغاز می‌شد و حوادث پیرامون آن شکل می‌گرفت. نامنگاری و ارتباط با دیگران، در پایان داستان جدی می‌شود و آن هم فقط در حد یک فکر یا بهتر بگوییم یک شعار. رابطه علی‌رودادهای داستان یکی از اصول مهم داستان نویسی است و فقدان آن، انسجام و وحدت طرح را خدشه‌دار کرده است. اگر داستان در نقطه‌ای که ماشین کوچولو عضو کتابخانه محله شده بود و هر شب یک داستان قشنگ می‌خواند تمام می‌شد، پایان‌بندی تاثیرگذار و مناسبی پیدا می‌کرد و وحدت طرح نیز حفظ می‌شد. پایان یک داستان کودکانه، اصولاً برای طرح موضوع ارتباط

اجتماعی جایگاه مناسبی نیست. هرچند در جهان واقعی، خواندن و نوشتن و به تبع آن علم و دانش و کتابخوانی لازمه ارتباط اجتماعی است، اما در جهان داستان و در چهارچوب امکاناتی که نویسنده این داستان پیش روی ما گسترده یا محدود کرده است، شخصیت پردازی

ماشین کوچولو یک شخصیت تخیلی است. از این رو، کار نویسنده در شخصیت‌پردازی دشوارتر است. نویسنده به کمک بستر و زمینه مناسبی که زیر پای شخصیت می‌گستراند، فضایی فراهم می‌آورد که کنش و واکنش‌های او طبیعی و واقعه‌گرایانه جلوه کند. با این زمینه‌سازی مناسب، خواننده می‌تواند شخصیت‌ها را حس کند و بیذبرد. همان گونه که در شروع داستان تا حدودی نویسنده چنین زمینه‌ای را برای مدرسه رفتن ماشین کوچولو فراهم کرده است.

وقتی ماشین کوچولو سرکلاس بجهما می‌رود، الفبای تمرین می‌کند در گزارژ مشق می‌نویسد و خواندن و نوشتن یاد می‌گیرد، عضو کتابخانه می‌شود و داستان می‌خواند خواننده کودک می‌تواند اعمال او را ببیند با او همذات‌پنداری کند و به او علاقه‌مند شود و سرانجام او را باور کند.

اما در بخش دوم داستان، نویسنده فقط درباره شخصیت تخیلی حرف می‌زند و ذهنیت خود را به عنوان فکر او طرح می‌کند و کودکان زیرک، به خوبی متوجه می‌شوند که این افکار پایگاه درونی در شخصیت داستان ندارد و فقط بنا بر میل و اراده نویسنده، در ذهن شخصیت جاری شده است.

چنین شخصیتی برای آنها غریبه است. شخصیت در داستان کودکان چه تخیلی، چه واقعی باید رفتاری داشته باشد که کودکان یا مشابه آن را در زندگی خود و اطرافیان‌شان دیده باشند و یا در جهان داستان، نویسنده چنان امکانات و فضایی فراهم کرده باشد که رفتار شخصیت را در داستان بیذیرند. ضعف در شخصیت‌پردازی موجب می‌شود خواننده نه شخصیت داستان را باور کند و نه خود داستان را.

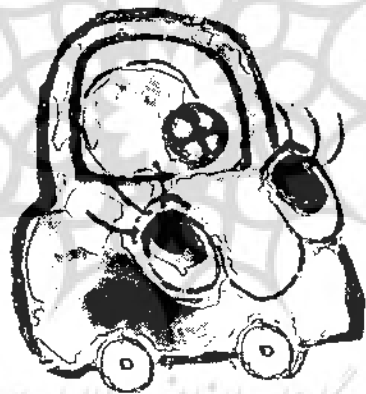
در پایان باید گفت وجود دو درونمایه، نداشتن طرح یکپارچه و منسجم و عدم یگانگی در شخصیت کار را با اشکالات اساسی مواجه کرده است. هرچند نوع نگاه نویسنده، تازگی و فراگیری درونمایه استعناد داستانی زیبا و جذاب را در خود داشته است. پی نوشت:

۱- ادبیات کودکان، ویژگی‌ها و جنبه‌ها، بنفشه حجازی، نشر فاطمی.

خواندن و نوشتن

نوع نگاه نویسنده، تازگی و فراگیری درونمایه، از ویژگی‌های این کتاب به شمار می‌رود.

رابطه بخش پایانی با دو بخش آغازین و میانی روشن نیست.



برگ اشتراک ماهنامه کودک و نوجوان

مجموعه ماهنامه‌های کتاب ماه

مشخصات مشترک:

نام / شرکت / مؤسسه:

شماره شناسنامه - شماره ثبت - میزان تحصیلات:

نشانی و شماره پستی

تلفن و دورنگار

صدت اشتراک: ۱ سال (۱۲ شماره)

هزینه اشتراک:

۱- داخل کشور:

تهران ۲۱۰۰۰ ریال شهرستانها: ۲۳۰۰۰ ریال

۲- خارج از کشور:

الف: خاورمیانه - کشورهای همسایه با هزینه پستی ۶۰۰۰۰ ریال

ب: اروپا - آمریکای شمالی با هزینه پستی ۶۵۰۰۰ ریال

ج: اقیانوسیه - خاور دور - آمریکای جنوبی با هزینه پستی ۷۰۰۰۰ ریال

(لطفاً در این قسمت چیزی ننویسید)

شماره اشتراک تاریخ دریافت درخواست

شماره شروع اشتراک شماره پایان اشتراک